

اشاره

پیش‌تر مؤسسه «ارسیکا» اثری با عنوان **کتابشناسی جهانی ترجمه‌های قرآن کریم** در سال ۱۹۸۶ م منتشر کرده است. این اثر را آقای آصف فکرت (مشهد، ۱۳۷۳ ش) به فارسی ترجمه کرده و در بخش ترجمه‌های فارسی تکمله‌ای به آن افزوده‌اند. تنها مرحوم اسعدی معرفی کوتاهی از این کتاب در مجله نشر دانش نگاشتند و به دلیل بکر بودن حوزه انجام شده، کتاب با دیدهٔ اعجاب اذهان را به خود مشغول نمود. نخستین نقد این کتاب را دکتر مفخر حسین خان در سال ۱۹۹۳ م منتشر نموده‌اند. با این حال همانگونه که مفخر حسین خان نشان داده است، کتابشناسی ترجمه‌های قرآن، در حقیقت رونویسی‌هایی از منابع دست دوم است و خطاها و اغلاط فراوانی در آن راه دارد. نکته‌ای که مورد اشارهٔ دیگر محققان نیز قرار گرفته است. زمانی که اثر جدید این مؤسسه به دستم رسید، به علاقه آن را تورق نمودم و در صدد دانستن این نکته بودم که آیا محقق این اثر نیز به همان شیوهٔ پیشین تحقیق کرده‌اند یا این بار جهدی کرده، فهرست نسخه‌های خطی و یا حتی خود نسخه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و به رونویسی از منابع در دسترس اکتفا نکرده‌اند. با مطالعهٔ کتاب و مراجعه به منابع مورد استفاده، دریافتم که در این چاپ نیز همان طریق گذشته اعمال شده است. از آنجایی که ممکن است، محقق به گمان معتبر بودن این کتاب آستین همت بالا زده و قصد ترجمهٔ آن را کند، تصمیم گرفتم تا ضمن اشاره به کاستی‌های این اثر و نشان دادن عدم اعتبار آن، به برخی خطاهای فاحش کتابشناسی ترجمه‌های قرآن کریم نیز اشاره نمایم. بنابراین نوشته حاضر در دو بخش نخست به معرفی کتابشناسی نسخه‌های خطی قرآن و سپس نقد کتابشناسی ترجمه‌های قرآن می‌پردازد.

تأملی بر

کتابشناسی جهانی

نسخه‌های خطی

ترجمه‌های قرآن مجید

محمد کاظم رحمتی

کتابشناسی جهانی نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم! کتاب حاضر که جلد نخست و حاصل تحقیقات (؟) مؤسسهٔ ارسیکا می‌باشد، فهرست نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم به پنجاه و هشت زبان است. به علت گستردگی ترجمه‌های اردو، فارسی و ترکی، جلد دوم (در سه مجلد) به گزارش این ترجمه‌ها اختصاص داده شده است. این مجموعه به همت مصطفی نجات شرف چی اوغلو تهیه شده است. اکمل الدین احسان اوغلو در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته، ضمن

1. Mustafa Nejat Sefercioglu, *World Bibliography of Translations of The Holy Quran in Manuscript Form* (Istanbul, 2000) pp. IIV+210.

گزارشی از ترجمه قرآن، به اهمیت تهیه فهرست از این آثار و معرفی برخی نسخه های قرآن نیز پرداخته است. فهرست ماخذ که در متن به صورت خلاصه ذکر شده، نیز به تفصیل در آغاز کتاب آمده است. از میان این مراجع مقدمه های پروفیسور محمد حمیدالله که کتاب به وی اهداء گردیده، به عنوان ماخذ مهمی برای مطالب کتاب مورد استفاده بوده است. بعد از فهرست اختصارات، به ترتیب الفبا، زبان های مختلف ذکر شده و نسخه ها و گاه ترجمه های ذکر نشده در کتابشناسی جهانی نیز آمده است. اطلاعات ارائه شده درباره نسخه های معرفی شده، مشتمل بر آغاز، انجام و برخی نکات مهم نسخه شناسی بوده و در آخر منبع یا منابعی که اطلاعات از آن اخذ شده، معرفی شده است. توضیحات کوتاهی نیز در مورد زبان ترجمه ارائه شده که این توضیحات تا حد زیادی همان مطالب ذکر شده در کتابشناسی ترجمه های قرآن کریم است و به نکات مهم و قابل استفاده، تقریباً اشاره ای نشده است. در ذیل بخش نسخه های خطی لاتین، ایتالیایی و اسپانیایی را مورد بررسی قرار می دهیم.

ترجمه های لاتین^۲

ماخذ عمده این بخش اساساً مقاله مهم خانم دلورنی است که در آن ایشان به معرفی دو ترجمه مهم لاتین قرآن، یعنی نخستین ترجمه قرآن توسط رابرت کتونی^۳ و ترجمه مارک طلیطله ای و نسخه های آن پرداخته است. ^۴ گرچه خانم دلورنی در چند مقاله دیگر نیز نسخه ها و مطالب فراوان دیگری نیز در تکمیل نوشته خود نگاشته است، اما این نکته بر مؤلف کتاب پوشیده مانده و کار رونویسی تنها محدود به همین مقاله خانم دلورنی بوده است. از آنجایی که کار تهیه فهرست در موارد متعددی مبتنی بر مقالات بوده است و نه فهرست های منتشره، طبیعی است که نسخه های خطی فراوانی از قلم افتاده باشند.

در ضمن معرفی نسخه های خطی لاتین که به نسخه های خطی قرآن نیز اشاره شده، از قرآنی کتابت شده در حدود سال ۱۶۹۰ م که در حاشیه و بین سطور تذکرات و ترجمه های اندکی از متن به قلم آبراهام هینکلنن به چشم می خورد (ص ۹۸)، سخن رفته است. با مراجعه به مقاله هارتموت بوتسین که تنها برای برخی رونویسی ها مورد استفاده بوده، درمی یابیم که در سال ۱۶۹۴ م ابراهام هینکلنن متن عربی قرآن را در هامبورگ بدون ترجمه منتشر کرده است. ^۵ بنابراین هینکلنن تنها ناشر متن عربی بوده و تلاشی جهت ترجمه قرآن انجام نداده است. شاهد دیگر بر این که

مقاله بوتسین تنها برای استفاده از اطلاعات نسخه شناسی مورد

۲. یکی از مهم ترین ترجمه های لاتین قرآن که مورد استفاده برخی مترجمان بعدی نیز قرار گرفته است، ترجمه لودویکو ماراچی است. این ترجمه با عنوان *Alcorani text usunivesus* (Patavia, 1698) منتشر شده است. به نوشته بروک وی، نخستین چاپ متن قرآن در سال ۱۵۳۰ م و چاپ دوم در سال ۱۶۹۴ م که ترجمه لاتینی قرآن کتونی منتشر گردید، انتشار یافته است. در مورد شرح حال ماراچی ر. ک:

Jean Pierre Niceron, 'Memoires Pour Servira l'histoire hommes illustres dans la republique des lettres, Paris, 1740) xli, 255-296; *Biographie univeselle* (Michaud) Ancienne et moderne, Nouvelle, ed (Paris, nd) xxvii, 56-57; Danision Ross, "Ludovico Marracci", *BSOAS*, II (1921) 118.

برای مطالعه بیش تر از تأثیرات ماراچی بر مطالعات اسلامی ر. ک: Pfannmuller, *Handbuch*; Johan Fuck, *Die arabische Studien in Europa bis in den Anfany des 20. Jahrhundert* (Leipzig, 1955) 9, 78-79, 104; Norman Daniel, *Islam and The West* (Edinburgh Universit Press, 1955) pp: 298-299 Also A. Fischer, *Der Wert des Vorhandenen Koran- Uebersetzungen und Sura 111* (Leipzig, 1937) p.1

جرج سیل، مترجم قرآن به زبان انگلیسی، از ترجمه قرآن ماراچی استفاده کرده است و همو تذکر داده با وجودی که ترجمه ماراچی مشحون از خطاست، بسیار سودمند است. شلابیر موارد استفاده سیل از ترجمه ماراچی را مورد بحث قرار داده است. ر. ک:

W. G. Shellabear, "Is Sale's Koran reliable?" *MW*, XXI (1931) 126-142

در یکی از ترجمه های اخیر فرانسوی (D. Masson, *Le Coran*, Paris: Ed. Gallimard, 1967) منابع ذکر شده است. دیگر ترجمه لاتین قرآن (دومین) را مسیحی مستعرب (در مورد این واژه و کاربرد آن ر. ک: *EI2*, S. V. Mozarab, by P. Chalmeta) به نام مارک طلیطله ای در سال ۱۰۲۹-۱۰۱۰ م به خواهش اسقف رودریگو جمینز (Rodrigo Jimenez) انجام داده است. با وجودی که این ترجمه، کار دقیقی است، کم تر مورد توجه قرار گرفته است.

۳. در مورد نخستین ترجمه لاتین قرآن ذکر این مطالب می تواند مفید باشد. نخستین ترجمه قرآن همراه با ترجمه متون دیگری بوده است. در نامه ای که پیتر جلیل، راهب دیر کلونی به یکی از دوستان خود یعنی سنت برنارد کلرووی، قدیس مشهور، نوشته، وی این ماجرا را چنین گزارش نموده است؛ در اولین وهله، وی از فردی به نام پیتر طلیطله ای درخواست ترجمه رساله عبدالله بن اسماعیل الهاشمی الی عبدالسیح الکندی و رساله الکندی الی الهاشمی را نمود. این رساله مدافعه ای از عقاید مسیحیت در برابر انتقادات اسلامی است. به شهادت پیتر جلیل، پیتر طلیطله ای چندان به زبان لاتینی آشنایی نداشته است. به همین دلیل وی از فرد

— موریلان در مقاله ای دلایلی در خدشه وارد کردن بر این ادعا

>

دیگری به نام Peter of Poitiers خواست تا متن را تهذیب و ویرایش کند. در قدم دوم، هرمان کارینا مسائل عبدالله بن سلام و کتابی در نسب پیامبر به نام نسب الرسول نگاشته سعید بن عمر را به لاتینی ترجمه نمود. بعد از ترجمه این آثار، به خواهش پیتر جلیل، رابرت کنونی متن قرآن را ترجمه نمود. این مجموعه را خانم دلورنی، همراه به ردیه هایی که پیتر جلیل بر ضد اسلام نوشته، مجموعه طلیطله نامیده است. از میان نسخه های خطی متعددی که از این مجموعه موجود است، نسخه موجود در کتابخانه آرسنال (شماره ۱۱۶۲) فرانسه اهمیت خاصی دارد. این نسخه به خط کنونی است. جیمز کریزیک متن لاتین ردیه پیتر جلیل را براساس نسخه آرسنال و نسخه دیگری متعلق به کتابخانه de Douai شماره ۳۸۱ تصحیح کرده و خلاصه ای از مطالب آن ها را به انگلیسی نیز آورده است. ر. ک:

James Kritzeck, *Peter the Venerable and Islam*, Princeton, 1964, pp. 203ff

در **دائرةالمعارف اسلام** ذیل عبدالمسیح بن اسحاق کندی این گونه آمده است: «نام داده شده بر مؤلف مدافعه نوشته شده از مسیحیت که به صورت نامه ای است، در پاسخ به دوست مسلمان که از او با عنوان عبدالله بن اسماعیل هاشمی یاد شده است. هاشمی نامه ای به کندی نوشته و او را به اسلام دعوت کرده است. در آغاز نامه مؤلف ذکر نموده که به دلایلی مایل به ذکر نام خود نیست و تنها با اشاره به دو نام هاشمی و کندی مطالب خود را بیان خواهد کرد. نام این دو تن را تنها بیرونی (متوفی بعد از ۴۴۲ق) متذکر شده است. در عنوان برخی از نسخ این نام، نام یعقوب به اسحاق کندی که نباید با مؤلف و فیلسوف مشهور مسلمان (متوفی سال ۲۵۶ق / ۸۷۰م) اشتباه نمود، ذکر شده است. ویلیام مویر با توجه به شواهد تاریخی مذکور در متن نامه، زمان نگارش آن را سال ۲۱۸ق می داند. لوی ماسینیون به دلیل دیگری، سال ۳۰۰ق را پیشنهاد کرده است. خانم دلورنی براساس ترجمه موجود لاتین نامه که از نسطوریان به عنوان مبتدع یاد شده، مؤلف را یحیی بن عدی نحوی می داند. برای تفصیل مطلب ر. ک:

EI2, s. v. Al-Kindi, Abd Al-Masih, 120b

4. see: D. Alverny, Marie- Therese, "Deux traductions Latines du Coran au Moyen-Age", *Archives d'Historie Doctrinale et Litteraires du Moyen Age*, 16 (1947-1948) pp.69-131.

این مقاله اینک در مجموعه ای حاوی برخی مقالات خانم دلورنی به چاپ رسیده است. ماری ترزا دلورنی از محققان برجسته اسلام شناس فرانسوی است که تا به حال هیچ اثری از وی به فارسی ترجمه نشده است. مجموعه مقالات ایشان درباره دو ترجمه لاتینی قرآن در اثر ذیل منتشر شده است. چارلز برنت Charles Burret در معرفی کوتاهی که بر این کتاب نوشته، اهمیت این مقالات را متذکر شده است. کتاب مشتمل بر هفت مقاله است. مقاله نخست به معرفی دو ترجمه لاتین قرآن

استفاده بود، در مورد ترجمه ایتالیایی قرآن است. در ذیل نسخه های ایتالیایی قرآن، نسخه اساس چاپ آریوبنا به او نسبت داده شده است. با وجودی که بوبتسین متذکر این نکته شده است که آریوبنا تنها ناشر کتاب بوده و مترجم متن ناشناس است.^۶

نسخ ترجمه های اسپانیایی قرآن

با فتح مجدد اندلس توسط مسیحیان (فتح طلیطله در ۱۰۸۵م و سارگوسا در ۱۱۱۸م) مسلمانان در شبه جزیره ایبری وضعیت اقلیت را یافتند. در این دوره به مسلمانان مُدجر گفته می شده است.^۷ میان این سال ها تا سال ۱۰۶۹-۱۴م که تمامی مسلمانان از شبه جزیره ایبری اخراج شدند، مسلمانان به نگارش و تصنیف آثار متعددی پرداخته اند. از میان این آثار، با ارزش تر از دیگر نوشته ها، ترجمه های قرآن و نسخه های کتابت شده قرآن است.^۸

نخستین ترجمه قرآن به زبان اسپانیایی^۹ همانند ترجمه لاتین قرآن به درخواست فردی مسیحی انجام شده است، تنها با این تفاوت مهم که در این جا مترجم فردی مسلمان، آشنا به علوم قرآنی بوده است.^{۱۰}

خوان سگویایی (Juan de Segovia) عالم مسیحی و ساکن در ساوی (Savoy)، با وجودی که دانش اندکی از عربی داشته، علاقه شدیدی به آشنایی با اسلام داشته است. این باعث گردید تا وی ترجمه لاتینی قرآن توسط رابرت کنونی را تهیه کند. بعد از دست یابی به این ترجمه، وی آن را، برگردانی نارسا و مشحون از تمایلات جدلی بر ضد اسلام یافت. به این دلیل وی تصمیم گرفت تا ترجمه جدیدی از قرآن تهیه کند.

در اسپانیا با مسلمانی به نام عیسی بن جابر یا عیسی شاذلی (Yca Gidlli)^{۱۱} آشنا گردید. این فقیه مدجر به تشویق خوان سگویایی به ساوی رفت و در چهار ماهی که در آنجا اقامت داشته، ترجمه جدیدی از قرآن به زبان اسپانیایی تهیه نمود (سال ۱۴۵۶م). وی در ترجمه خود از تفاسیر عربی نیز استفاده کرده است. خوان سگویایی نیز ترجمه را از اسپانیایی به لاتین برگرداند. از کل این ترجمه لاتین تنها مقدمه آن موجود است.^{۱۲} عیسی شاذلی نیز از متن اسپانیایی، نسخه ای همراه خود برده است. تا اندکی قبل گمان آن بود که این ترجمه اسپانیایی از بین رفته است. به تازگی نسخه ای پیدا شده که Gerard وایگر معتقد است، استساخی متأخر از متن ترجمه عیسی بن جابر است.^{۱۳} گرچه این مسأله مورد مناقشه است و لوپز

عنوان یکی از مترجمان قرآن سخن رفته است. اما چنین نامی در

> اختصاص یافته است. بحث این مقاله درباره ترجمه لاتینی قرآن به دستور پتر جلیل است. ضمن ارائه توضیحاتی درباره محتوی این ترجمه و نوشته‌هایی که همراه با این ترجمه در سال ۱۵۴۲م در شهر بازل به منتشر گردید، خانم دلورنی به وجود نسخه‌ای از این ترجمه به خط رابرت کنونی مترجم قرآن در کتابخانه آرسنال فرانسه اشاره کرده است. دومین ترجمه قرآن به زبان لاتینی توسط مارک طلیطله‌ای صورت گرفته است. نسخه‌های این ترجمه را خانم دلورنی شناسایی و معرفی کرده است. مقاله دوم و هفتم به معرفی مارک طلیطله‌ای اختصاص داده شده است. در این تحقیق خانم دلورنی تلاش کرده تا ماهیت کار این مترجم را که به گفته همو سعی و افری در تخریب اسلام و عرضه چهره‌ای نادرست از اسلام داشته، و انماید. مقاله سوم به تلاش‌های پتر جلیل در رد اسلام و رساله‌هایی که وی نگاشته، اختصاص یافته است. مقاله چهارم، معرفی نسخه‌های موجود از مجموعه طلیطله است. مقاله پنجم و ششم گزارشی است از تصویر ارائه شده از اسلام در قرون میانه. ر. ک:

Marue-Therese d'Alverny, *La connaissance de l'Islam dans L'Occident medieval*, Variorum, 1994.

۵. به نوشته بروک وی، نخستین چاپ متن قرآن در سال ۱۵۳۰م و چاپ دوم در سال ۱۶۹۴م که ترجمه لاتینی قرآن کنونی منتشر گردید، انتشار یافته است. برای فهرست چاپ‌های متن عربی قرآن ر. ک:

Gustav Pfannmüller, *Handbuch der Islam-Literatur* (Berlin, 1923) pp. 207-208; Duncan Brock-Way, "The second edition of volume I of Marracci Al-corani Textus universus, *MW*", 64 (1974), p.141.

6. Bobzin, Harmot, op.cit, p.197.

در مورد کتابشناسی ترجمه‌های قرآن، اثر مختصر پیرسون به دلیل آن که وی مطالب خود را با مراجعه به متن ترجمه‌ها انجام داده است، اعتبار بیش تری دارد. گرچه وی نیز مرتکب برخی خطاها شده است. به عنوان مثال وی آریوآبنا را مترجم متن ایتالیایی قرآن، براساس ترجمه لاتینی ماراچی معرفی کرده و در ذیل ترجمه‌های انگلیسی قرآن، محمدعلی لاهوری را در فهرست مترجمان احمدی قرآن ذکر نکرده است. ر. ک:

"Bibliography of translations of the Quran into European Language" in *Arabic Literature to the end Umayyad Period* (Cambridge, 1983) pp.510, 516.

۷. برگرفته شده از کلمه عربی مُدَجَّن به معنای رام، اهلی شده. وضعیت مدجرها همانند ذمیان در قلمرو اسلامی است. عنوان دیگر اطلاق شده به مسلمانان در اسپانیا بعد از سال ۱۵۰۲م (فتح کاستیل) و ۱۵۲۶م (فتح آراگون) موریسکو است. در مورد این کلمه ر. ک: EI2. S. V. Mude- jar, by P. Chalmeta در مورد کلمه موریسکو نیز ر. ک: EI2. S. V. Moriscos by G. A. Wieggers, Vol.7 pp. 241-44

8. see Conseulo Lopez-Morillas, *The Quran in Sixteenth-Century Spain: Six Morisco Version of Sura 79* (London: Tamesis, 1982)

<

ارائه کرده است. ۱۴ با وجود اهمیت این ترجمه، در کتابشناسی، این نسخه تنها به ترجمه آن توسط عیسی بن جابر (خوان سگویایی؟) اشاره شده است. کتابی معرفی شده و گفته شده که در آن ترجمه آیاتی از قرآن موجود است (کتابشناسی نسخه‌های خطی، ص ۶). کاملاً مشخص است که مؤلف در اینجا ماخذ خود را یعنی نوشته حمیدالله را رونویسی کرده و حتی به این نکته توجه نکرده که این دو، یک شخص نیستند.

برخی ایرادات کتابشناسی جهانی ترجمه‌های قرآن کریم ۱۵

در آغاز کتاب اکمل الدین احسان اوغلو می نویسد که امیدوار است، تحقیق آنها منبعی برای دیگر تحقیقات منبعی مفید برای کسانی که ترجمه‌های قرآن کریم را مطالعه می کنند، گردد. ادعا شده که ۲۶۷۲ ترجمه از ۶۵ زبان در کتابشناسی گردآوری شده است. اکمل الدین در تذکری به بیان این نکته می پردازد که:

«جالب توجه است که قدیمی ترین متن چاپی از ترجمه انگلیسی قرآن را ما در کتابشناسی خود ثبت کرده ایم، اثری که منتخبی از قرآن و چاپ شده در لندن ۱۵۱۵م با عنوان Here be gynneth a lytell ttratyse of the turkes Law called AlCoran. And also it speketh of Machamer to Nygromancer آنچه که اکمل الدین به آن اشاره کرده، تنها نوشته‌ای چاپ شده توسط Wynknde Worde، ادامه دهنده کار نخستین ناشر انگلیسی Caxton است. کتاب فاقد تاریخ است و عنوان درست آن چنین است:

Here begynneth a lytell treatyse of the turks Lawe called AlCoran And also it speketh of Machamet to Nygromancer

شگفت تر آن است که این اثر شش صفحه‌ای در گزارش اکمل الدین، شصت و یک صفحه معرفی شده است. اثری که نوشته‌ای تند بر ضد قرآن است و حاوی هیچ اطلاعات درستی درباره قرآن نیست. عجیب تر آن که، این کتاب، ترجمه حتی یک آیه از قرآن را در بر ندارد.

همچنین اکمل الدین، نخستین ترجمه انگلیسی قرآن را توسط الکساندر راس معرفی کرده که در سال ۱۶۴۸ (لندن) منتشر شده است. اگر به ماخذ اکمل الدین رجوع کنیم، درمی یابیم که وی از اثر کتابشناسی هریس استفاده کرده، با وجودی که هریس سال انتشار را ۱۶۴۲م ذکر کرده است. ۱۶ در ترجمه‌های اردو از فردی به نام مولوی امیرالدین بچونیا به

بنگلادش یا در غرب بنگال وجود ندارد. همین گونه فردی به نام شهید علی احسن به عنوان رئیس آکادمی بنگال معرفی شده که چنین کسی عهده دار این منصب نبوده است.

در مورد نخستین ترجمه گجراتی، اکمل الدین از چاپ متنی به سال ۱۸۷۹ م به رسم الخط گجراتی سخن گفته است. با مراجعه به کتاب درمی یابیم که متن در سال ۱۸۷۸ م منتشر شده و به رسم الخط عربی است.

در ترجمه های هندی، اکمل الدین نقل کرده که در پی دستور راجا محروق، فرمانروای پنجاب و کشمیر قرآن تا سوره یاسین به هندی در سال ۱۲۷۰ ق/ ۸۸۳ م ترجمه شده است. بررسی نشان داد که فردی به نام محروق وجود نداشته است. از طرف دیگر زبان پنجاب، پنجابی و زبان کشمیر، کشمیری است. همچنین تاریخچه زبان هندی مراحل اولیه شکل گیری خود را از قرن یازدهم آغاز کرده است. احتمالاً اکمل الدین از منبعی عربی استفاده کرده است. در این صورت اگر داستان درست باشد، ترجمه می تواند به یکی از زبان های شبه قاره باشد.^{۱۷}

اکمل الدین نخستین ترجمه بخشی از قرآن به زبان اردو را سال ۱۷۳۱ م (بمبئی) معرفی کرده است، در حالی که صنعت چاپ عربی-فارسی برای اولین بار در سال ۱۷۷۸ م به شبه قاره وارد شده است. به این دلیل چاپ کتابی در سال ۱۷۳۱ م بی معنی خواهد بود. گفته شده که ترجمه شاه عبدالقادر در سال ۱۸۲۹ م (دهلی) منتشر شده است. نگاهی به چند ترجمه دیگر می تواند مطلب را روشن کند. در سال ۱۸۲۹ م ترجمه اردو شاه عبدالقادر، صفحه عنوان نداشته است. مقدمه این چاپ را سید عبدالله هوگلی (Hughly) نوشته است. سید عبدالله هوگلی انتشاراتی در کلکته داشته که نامش انتشارات احمدی یا مطبعة احمدی بوده است. در سال ۱۸۲۹ م وی ترجمه شاه عبدالقادر را منتشر کرده است. با این حال در فهرست مترجمان قرآن از عبدالله هوگلی و سید عبدالله به عنوان دو مترجم اردوی قرآن یاد شده اند. براساس نوشته رودز (Rhodes)^{۱۸} و احمد^{۱۹} قبل از سال ۱۸۵۹ م چاپخانه کتب اردو در دهلی وجود نداشته است و مطبعة احمدی را شیخ وجیه الدین بعد از سال ۱۸۵۰ م تأسیس کرده است. بنابراین اطلاعات اکمل الدین درباره نخستین چاپ ترجمه شاه عبدالقادر نادرست است.^{۲۰}

منابع کتابشناسی

از میان ۱۳۵ ماخذ مورد استفاده، بررسی نشان می دهد که

بسیاری از آنها مورد استفاده نبوده اند و مؤلفان شناختی نسبت به

۹. دقیق تر به شیوه الجامیدو که صورت نگارش اسپانیایی، کلمات عربی است. در این مورد ر. ک:

EI2, S.V. Aljamia, by L. P. Harvey, Vol.1, pp. 404-5.

پیرسون در کتابشناسی خود، خواننده را مورد ترجمه های اسپانیایی به زبان الجامیدو به نوشته ذیل ارجاع داده است:

M. de Epalza, "Una nueva traduccion arable del Ooran", *Almenara*, IV (1973) pp. 239-42.

۱۰. تفصیل این مطلب را در نوشته های زیر جستجو کنید:

Dario Cabanelas, "Juan de Segovia y el primer Alcoran trilingue", *Al-Andalus*, 14 (1949) 144-73; idem, *Juan de Segovia y el problema islamica* (Madrid, Universided, 1952); Gerard, Wieggers, *Islamic Literature in Spanish and Aljamiada: Ycaof Segovia (fl. 1450), His Antecedents and Successors*, (Leiden, 1994) pp.98-114.

۱۱. کلمه Gidelli معرب شاذلی است.

۱۲. واتیکان، نسخ خطی لاتین، شماره ۲۹۲۳.

۱۳. نسخه مورد بحث، قرآنی کتابت شده در سال ۱۶۰۶ م توسط موریسکوی ناشناس است که در طلبله (نسخه خطی ۲۳۵ کتابخانه Biblioteca Publica Provincial باقی است. بحث تفصیلی این نسخه را موریللاس در مقاله ای آورده است. ر. ک:

Consuelo, Lopez-Morillas, "Trilingual Mariginal notes (Arabic, Aljamiado and Spain) in a Morisco Manuscript from Toledo", *JAOS*, 103 (1983) 495-504.

14. Consuelo, Lopez-Morillas, "Lost and Found? Yca of Segovia and The Quran among The Mudejars and Moriscos", *Journal of Islamic Studies*, 10.3 (1999) 282ff.

۱۵. این بخش نوشتار برگرفته از مقالات عالمانه مفخر حسین خان با مشخصات کتابشناسی ذیل است. ایراداتی ذکر شده که در مورد آن ها به مواردی خاصی تصریح شده است. نگارنده امیدوار است با دسترسی به منابع بیش تر در آینده بتواند به دیگر کاستی های این اثر وقوف یافته و فهرست کامل تری را منتشر کند.

Mofakhkhar Hussain Khan, "Bibliographic Control of Quranic Literatuer: an Evaluative Survey", *Islamic Quarterly*, 1993, pp. 95-135; idem, "An Early History of Urdu Translaions of The Holy Quran, A Bio-Bibliographic Study, Part1", *Islamic Quarterly*, 1996, 4.211-234; idem, "An Early History of Urdu Translations of The Holy Quran, A Bio-Bibliographic Study, Part2", *Islamic Quarterly*, 1997. 34-51.

16. William J. Haris, *The First printed translation into English of the great foreign classics: A supplement to text-book of English Literature* (London, 1909; Facsimre

این آثار نداشته اند. به عنوان مثال تقسیم بندی نادرست منابع دلیلی بر ناآشنایی با منابع است. فی المثل اثر *Book in Print* کتابشناسی است اما مجلد *Subject guide to books in print* کتابشناسی نیست و باید در بخش دیگر کتاب ها ذکر شود. کتابشناسی هریس، با وجودی که یک اثر کتابشناسانه است در میان کتاب های دیگر ذکر شده است.

از اثر زنکر (Zenker) و شوان (Chauvin) به عنوان منابع یاد شده است. در حالی که از آن ها استفاده نشده است. اگر هم مورد استفاده بوده اند، اطلاعاتی از آن ها ذکر نشده است. به عنوان مثال ترجمه انگلیسی Serampore در سال ۱۸۳۳ م، ترجمه اردو شاه عبدالقادر به سال ۱۸۲۹ م در هوگلی و کلکته و ترجمه اردو منتشر شده در سال ۱۸۰۳ م از قلم افتاده اند. همین گونه از فهرست SOAS و فهرست B.M (بریتیش میوزیوم) نگاشته Lings استفاده نشده است. در این مآخذ وصف ترجمه امهاری و ترجمه انگلیسی از قرآن توسط M. A. Rahaman با عنوان *English Translition of The Quran in verse* آمده است.

ترجمه های بنگالی

۱۳۵ عنوان در ذیل کتابشناسی ترجمه های بنگالی ذکر شده است. از این تعداد ۴۰ اثر به عنوان ترجمه کامل و ۹۵ مورد دیگر به عنوان ترجمه های ناتمام قرآن معرفی شده اند. بررسی نشان می دهد که تنها ۲۴ اثر (از ۱۵ مترجم) ترجمه کامل بنگالی قرآن است. ۱۶ اثر دیگر که به عنوان ترجمه کامل قرآن معرفی شده اند، یا منتخباتی از قرآن هستند یا ترجمه های ناتمام. مواردی نیز وجود دارد که اساساً اثر معرفی شده، ارتباطی با ترجمه قرآن ندارد. به عنوان مثال *Islam Sopan* (قدمهای به سوی اسلام) نوشته ابراهیم خان، ترجمه قرآن نیست، بلکه اثری مقدماتی در معرفی اسلام است. اگر بنا به ذکر این آثار باشد، موارد فراوانی را می توان به فهرست افزود. بیش تر ۹۵ عنوان معرفی در فهرست ترجمه های ناتمام بنگالی، ترجمه قرآن نیستند و تنها آثاری نگاشته شده درباره اسلام هستند.

ترجمه های گجراتی و اردو

دو ترجمه اردو یعنی ترجمه عزیز الله و غلام محمد صادق ذیل ترجمه های گجراتی معرفی شده اند. این برگردان به زبان اردو و

رسم الخط گجراتی هستند. وضع گزارش ترجمه های اردو نیز همین گونه است و فهرست ارائه شده مملو از خطا و نادرستی است. به عنوان مثال در ذیل ترجمه و تفسیر محمود حسن دیوبندی که عنوان آن ذکر نشده، گفته شده که وی کار خویش را تا سوره الناس انجام داده و شبیر احمد آن را تکمیل کرده است. این اثر تفسیری است که محمود حسن آن را ترجمه و یا تکمیل نکرده است. همچنین در مورد تعداد بار چاپ های ترجمه ها، اطلاعات کامل ارائه نشده است. مثلاً دوازده چاپ ترجمه

prints: Newyork: 1970; Folcroft, Pa. 1976; NorWood Editions 1977) p.87.

۱۷. آقای مفخر حسین خان، در مقاله ای دیگر توانسته است که به متنی که اکمل الدین در نگارش مقدمه به آن تنها ارجاع داده و همانند برخی اظهارات تنها حاصل رونویسی ایشان از منابع دست دوم است، دریافته که به واسطه اشتباه خانم آن ماری شیمیل در فهم عبارت کتاب *هجاب هند* نوشته شهریار بن بزرگ که عبارت یفسر له را به ترجمه فهمیده، اشکال دیگر وارده بر این داستان را بیان داشته است. ر. ک:

"An Early History of Urdu Translations of The Holy Quran, A Bio-Bibliographic Study, Part1", *Islamic Quarterly*, 1996, 4, p. 215-216.

اشتباه دیگر خانم شیمیل که اکمل الدین نیز تکرار کرده، آن است که ایشان نوشته اند، کار ترجمه (دقیق تر تفسیر) تا آغاز آیات ۷۸-۷۹ از سوره یاسین ادامه یافته است. برخی نیز انجام ترجمه را تا آغاز این آیات از سوره یاسین دانسته اند. در هر حال، این چنین اظهاراتی خطاست. تنها در هنگام شنیدن این آیات در داستان ادعا شده که پادشاه، متقلب گردیده و اسلام آورده است. ر. ک: مفخر حسین خان، ترجمه های اردو قرآن، ص ۲۱۶.

18. D. E. Rhodes, *The spread of printing, Eastern Hemisphere: India, Pakistan, Ceylon, Burama and Thailand* (London, 1969) p.45.

19. Nazir Ahmad, *Oriental press in the World* (Lahor, 1985) p.55 and passim.

۲۰. شاهد دیگری از مراجعه و استفاده از منابع دست دوم، این گفته اکمل الدین است که گفته؛ عباس علی ترجمه اردو شاه رفیع الدین را همراه با ترجمه بنگالی خود ترجمه کرده است. علت این خطا آن است که در اثری از قرن نوزدهم به نام Sayyiarah digest اشاره شده که ترجمه شاه رفیع الدین که در سال ۱۹۳۰ م انجام شده، عباس علی، ترجمه شاه رفیع الدین را به بنگالی نیز برگردانده است. این اطلاعات خطاست و عباس علی همراه با ترجمه بنگالی خود، ترجمه اردو شاه رفیع الدین را در سال ۱۹۳۸ م و نه ۱۹۳۰ نیز چاپ کرده است. ر. ک:

"An Early History of Urdu Translations of The Holy Quran, A Bio-Bibliographic Study, Part2", *Islamic Quarterly*, 1997, 1, p. 47.

اردوی شاه عبدالقادر، که بین سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۹۴ م منتشر شده، از قلم افتاده است. این چاپ‌ها هنوز قابل دسترسی هستند و در کتابخانه‌ها موجودند. حتی نخستین چاپ ترجمان القرآن مولانا ابوکلام آزاد که در کلکته به سال ۱۹۳۲ م و ۱۹۳۶ م منتشر شده‌اند، ذکر نشده است.

ترجمه‌های انگلیسی

پیش‌تر ذکر شد که اطلاعات اکمل‌الدین درباره نخستین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی تا چه حد نادرست است. در بخش ترجمه‌های انگلیسی نیز اشکالات دیگری نیز وجود دارد. ترجمه الکساندر راس در سال‌های ۱۶۴۸، ۱۸۵۳، ۱۸۵۵ و ۱۸۵۶ م منتشر نشده است. ترجمه عبدالله یوسف علی (با مقدمه ابوعلیاء مودودی) در سال ۱۹۴۶ م منتشر نشده است. همین‌گونه ترجمه محمد مارمادوک پیکال در سال ۱۹۳۰ م توسط New Ameri-can Library منتشر نشده است. این ترجمه در سال ۱۹۴۸ م منتشر شده است.^{۲۱} در بخش گزیده ترجمه‌ها آمده که آربری در سال ۱۹۱۱ م (زمانی که شش ساله بوده) ترجمه خود را منتشر کرده است.

از نواقص این کتابشناسی باید به بی‌توجهی آن به نقد ترجمه‌های قرآن اشاره کرد. گرچه این اشکال در اصل به مسلمانان و کم‌توجهی آن‌ها به ترجمه‌های قرآن باز می‌گردد، به نحوی که اگر ما بخواهیم موارد نقد ترجمه‌های قرآن را ذکر کنیم، به تعداد انگشتان دست کار جدی در این حوزه وجود ندارد. زمانی که لودویکو ماراچی با صرف چهل سال، هم و غم خود را ترجمه قرآن قرار داده - البته از بدفهمی و خصومت او در خصوص اسلام بگذریم - جای تأسف است که بگویم تا به حال هیچ مسلمانی علاقه‌ای به این ترجمه‌های لاتینی نشان نداده است. این در حالی است که ترجمه ماراچی هنوز مورد توجه است. به عنوان مثال در ۱۵ و ۱۶ آبان سال ۱۳۷۷ ش در صومعه‌ای نزدیک شهر پادو (Padov) محلی که ترجمه ماراچی چاپ گردید، سمیناری دو روزه برای بزرگداشت ترجمه ماراچی برگزار گردیده است.

مسأله دیگر درباره ترجمه‌های قرآن، مقدمه‌هایی است که در آغاز این ترجمه‌ها نوشته شده است. این را باید مد نظر قرار داد که عامه مردم غیرمسلمان همان قدر با متون اسلامی آشنایی دارند که عامه ما از کتب اصلی مسیحیان خیر دارند. مجلات و نوشته‌های تحقیقاتی نیز تنها برای عده‌ای خاص جذابیت دارد و

طبعاً برای عامه مردم، مقدمه‌های ترجمه‌های قرآن که حاوی کلیاتی درباره اسلام، پیامبر است، جزء آثار قابل دسترس و مورد مطالعه بیش‌تر است. با این حال هیچ تحقیق و مطالعه‌ای در خصوص این آثار انجام نشده است. نگارنده امیدوار است که بتواند در آینده این فرصت را بیابد که حداقل درباره برگردان‌های انگلیسی قرآن و مقدمه‌های نگاشته شده در آغاز آن‌ها - در حد بضاعت علمی خود - تحقیقی انجام دهد. گرچه با این پریشانی‌ها که شرحش را باید در جای دیگری گفت، تنها باید به توفیق الهی برای انجام چنین کاری امید داشت. می‌دانم که در بعضی از عبارات، قلم نه به لغزش که به طغیان آمده است، اما اگر خواننده جهد و تلاشی که هارتموت بوتسین در کتاب قرآن در عصر اصلاحات^{۲۲} و خانم دلورنی در مجموعه مقالات خود انجام داده است، ببیند، درمی‌یابد که باید شرمنده از مسلمانی خود بود که چنین کتابشناسی حاصل پنج سال تحقیق گروهی عده‌ای از اساتید مسلمان است که هیچ کدام آشنایی لازم برای انجام چنین کاری نداشته‌اند و تلاشی درخور قرآن به خرج نداده و چنین فارغ‌دلانه این موضوع را به اهمال گذرانده‌اند.

موارد ذکر شده که به صورت تصادفی انتخاب شده، نشان می‌دهد که مؤلفان در کار خود تا چه حد اهمال و سستی به خرج داده‌اند. با بررسی دیگر منابع و مراجعه به قرآن‌های چاپ شده، بی‌شک می‌توان فهرست کامل‌تری از آشفتگی‌های این کتاب را بدست آورد.^{۲۳}



21. R. Reginald and M. R. Burges, *Cumulative paperback index* (Detroit, 1973) xix.

22. Bobzin, Hartmut, *Der Koran im Zeitaler der Reformation: Studien zur Fruhgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa* (Beirut: Deutsche Moregenlandische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995) Beirut Texts und Studien, 42, xiv+598pp.

۲۳. ایفیم رضوان نیز در وصف این کتابشناسی گفته که اثری است اساساً مبتنی بر آثار دست دوم و حاوی اشتباهات بسیار فراوانی است. ر. ک:

E. A. Rezvan, "The Quran and its world", *Manuscript Orientalia*, 4.4 (1998) p.51 No.66.